

در ایران مربیگری شغل نیست

25 فروردین 1401

طباطبایی بسکتبال ما را عقب انداخت، بعضی چیزها بهتر است باز نشود!

نعیمه ظفر نخستین زن ایرانی است که به عنوان مربی بسکتبال لژیونر شده است. او البته اولین‌های دیگری هم در کارنامه دارد؛ از جمله نخستین گزارشگر زن بسکتبال در رسانه ملی. ظفر که چند سالی به عنوان سرمربی تیم ملی قطر فعالیت کرده، قراردادی جدید با فدراسیون بسکتبال عمان به امضا رسانده و قرار است هدایت تیم ۳ نفره این کشور را برعهده بگیرد. وقتی از او می‌پرسیم چرا همکاری‌اش با فدراسیون بسکتبال ایران را خاتمه داد و راهی قطر شد، می‌گوید اینجا حال بسکتبال خوش‌تر است. بعد می‌گوید مسائل دیگری هم وجود داشتند که بهتر است باز نشوند. در چند روز اخیر برخی ادعا کردند این مربی زن ایرانی مهاجرت کرده و دیگر قصد بازگشت به ایران را ندارد. خانم ظفر در مورد این مساله هم توضیحاتی ارائه کرد.

از ایران به قطر رفتید و حالا هم با فدراسیون بسکتبال عمان قرارداد بستید.

من از سال ۲۰۱۸ قطر هستم و نخستین قراردادام با این کشور برای تیم ملی زیر ۲۳ ساله‌های قطر بود. آن موقع کمک مربی تیم بزرگسالان بودم و بعد از دو سال مربیگری تیم ملی را به عهده گرفتم. چهار سال آنجا کار کردم. قراردادی که با عمان بستم يك قرارداد کوتاه‌مدت است. با توجه به توافقاتی که بین قطر و عمان شکل گرفته من به عمان آمدم. من در قطر مربی بسکتبال ۵ نفره هستم و در عمان قرار است برای مسابقات پیش رو هدایت تیم بسکتبال ۳ نفره این کشور را برعهده بگیرم.

تفاوت سطح امکانات قطر، عمان و ایران برای دختران بسکتبالیست چشمگیر است؟

قطر خیلی پیشگام است و رو به جلو حرکت می‌کند. ولی چیزی اضافه‌تر نخواهید دید. این مساله را باید در نظر داشت که قطر کشور کوچکی است در حد یکی از استان‌های ما. خیلی فرق می‌کند با کشوری مثل ایران. آنها هر امکاناتی دارند قابل دسترس است برای همه و يك جور یکسان‌سازی انجام شده. در ایران بنابر وسعت و عدد جمعیت متأسفانه خیلی جاها سالن و امکانات خوب در اختیار ندارند ولی می‌بینیم يك بازیکن با استعداد و با پتانسیل بالا در آن استان پیدا می‌شود. بنابراین قیاس ایران و قطر چندان درست نیست. عمان هم شرایطی مثل ایران دارد. حتی در مورد تایم سالن همان مشکلات دختران ایران اینجا هم دیده می‌شود. بهترین ساعت‌ها برای تیم الف مردان است. خیلی از مشکلات برای زنان هنوز در خیلی از کشورها برطرف نشده.

شما از زمان آقای مشحون با فدراسیون بسکتبال ایران همکاری داشتید و در دوران آقای طباطبایی

استعفا دادید و ایران را ترك کردید. مشکل چه بود؟

اصل کار من برای لایسنس مربیگری‌ام در صربستان بود. این نزدیک دو سال طول کشید. آنجا به صورت کارآموزی باید تیم بسازی و تیم معرفی کنی. این پروسه سختی بود. مثل کشور خودمان نبود که با يك هفته، ده روز کلاس رفتن مربی شوید. بعد این را من آوردم در آکادمی خودم. با ترکیه شروع به

همکاری کردم. در مقطعی عضو کمیته مربیان ترکیه شدم. بعد از آن با گرجستان همکاری کردم. همه این کشورها آمدند از برنامه مدرن اروپا استفاده کردند و تغییرات بزرگی در برنامه بسکتبال کشورشان مخصوصاً تیم‌های پایه به وجود آوردند. من همان برنامه را آوردم توی آکادمی. آن زمان آقای دکتر طباطبایی مدیرکل استعدادیابی وزارت ورزش و جوانان بود. من رفتم و برنامه‌هایم را اعلام کردم و ایشان شروع کرد به همکاری. کار خاصی هم البته انجام ندادیم. پیشنهاداتی ایشان می‌دادند، پیشنهاداتی ما می‌دادیم و استفاده می‌کردیم. مرا به آقای قاسمی که رییس کمیته مربیان فدراسیون بود معرفی کردند که البته اتفاق خاصی هم نیفتاد. من خودم رفتم فدراسیون بسکتبال که آن زمان آقای مشحون رییسش بود. تجربیاتم را با ایشان به اشتراک گذاشتم و ایشان هم یک کلینیک مربیگری برای من گذاشتند تا اینها را انتقال بدهم به هفتاد و چند مربی.

و بعد خود آقای طباطبایی شد رییس فدراسیون بسکتبال...

بله، خورد به انتخابات و آقای طباطبایی به من گفت باید برای تیم‌های پایه از شما استفاده کنیم. من هم انتظار داشتم و آماده بودم که با فدراسیون همکاری کنم. برنامه‌های ایشان در بدو کار خیلی خوب بود و من امیدوار بودم اتفاق خوبی برای بسکتبال بیفتد و همه با هم همکاری کنیم تا از باقی کشورها عقب نمانیم، ولی متأسفانه مشکلاتی وجود داشت که نشد. آن فدراسیون بسکتبال ما را خیلی عقب انداخت. من توی متن استعفایم به آقای طباطبایی گفتم که چرا دارم استعفا می‌دهم. ولی خب آن موقع دیده نشد و خیلی‌ها گفتند ظفر برکنار شده که اصلاً چنین چیزی نبود. من دیدم نمی‌توانم کار کنم با این سیستم. سیستمی که از تو انتظار دارد فقط چشم بگویی و سیستم کارمندی را قبول کنی. من مربی‌ام و دوست دارم بازیکن و تیم بسازم و رو به جلو حرکت کنم. متأسفانه زمینه‌اش فراهم نشد و من راهی قطر شدم.

چند سال پیش در یکی از مصاحبه‌ها شما گفتید که انتظارات خاصی از شما وجود دارد. می‌توانید با جزییات بیشتر بگویید موضوع چه بوده؟

من در متن استعفایم اعلام کردم. آقای قاسمی تسلط بسیار زیادی روی آقای طباطبایی داشت. مثلاً اگر تصمیم می‌گرفتند در فلان باشگاه فلان اتفاق بیفتد دیگر امکان نداشت نظر برگردد. حالا شما جلسه تشکیل می‌دادی، استدلال می‌آوردی یا هر کار دیگری می‌کردی فایده نداشت. نظر، نظر آقای قاسمی بود. ایشان در روند صدور کارت مربیگری، کلاس‌ها، انتخاب مدرس آن اتفاقی که آقای طباطبایی در ابتدا قولش را داده بود اتفاق نمی‌افتاد. منظور من این بوده و چیزهای دیگر مربوط به داستان‌های دیگر می‌شود که باز کردن‌شان دیگر امروز محلی از اعراب ندارد.

در فدراسیون جدید از شما دعوت به همکاری نشده؟

نه. من اصلاً در پروسه تغییرات نبودم و صحبتی با من نشده. من فقط مثل بقیه تبریک گفتم و ابراز امیدواری کردم که با این تغییرات اتفاق خوبی در فدراسیون بیفتد.

شما اولین گزارشگر زن بسکتبال ایران هم هستید ولی دیگر ادامه ندادید.

آن داستان گزارشگری داستان جالبی داشت. در گذشته تیم دختران بسکتبال ایران اجازه نداشتند با حجاب در مسابقات رسمی برون‌مرزی حاضر شوند. زمانی که آقای دکتر قاسمی مدیر رادیو ورزش بودند قرار شد از طرف فیبا نماینده بیاید و بازی فینال سوپرلیگ ما را که به صورت نمادین برگزار شد، ببیند. آن نماینده‌ها قرار بود ارزیابی کنند که بازی کردن با حجاب مشکلی دارد یا نه. در آن زمان در رادیو ورزش به عنوان کارشناس همکاری می‌کردم. در جلسه‌ای در کارگروه بسکتبال عنوان کردم این بازی نزدیک است و اهمیت زیادی برای دختران ایران دارد. خیلی مهم است که این نماینده‌ها لباس را

تایید کنند. لطفا یکی را بفرستید که بازی را گزارش کند یا حداقل دقایقی از بازی را با برنامه روی آنتن باشد. بعد از جلسه آقای قاسمی از من خواست که این کار را خودم انجام دهم. گفت تو بازیکنان را می‌شناسی، با فضایی بسکتبال آشنایی و همکار ما در رادیو هم هستی. من هیچ وقت گزارشگر تخصصی یا گوینده ورزشی نبودم ولی آن اتفاق، خیلی اتفاق جالبی بود برای من و خیلی خوشحال شدم نماینده فیبا لباس بچه‌ها را تایید کرد. بچه‌ها خیلی خوشحال بودند و می‌گفتند برای اولین بار اسم ما از رسانه اعلام شد. حرفه تخصصی من گزارش نبود اما افتخار این را داشتم که آن بازی را برای رادیو ورزش برای اولین بار گزارش کنم و صدای **بسکتبال زنان** شنیده شود.

برخی می‌گویند شما از ایران مهاجرت کردید.

بعضی از دوستان یا برخی شبکه‌های دیگر سعی می‌کنند یک جوری حضور من در خارج از ایران را به شکل دیگری نشان بدهند. من در ایران فعالیت کردم. آکادمی من در ایران فعالیت می‌کند. خانواده‌ام در ایران است. من ایرانی‌ام و همیشه ایرانی خواهم بود. من دعوت شدم برای کار در خارج از ایران و اگر یک روزی بخوام برگردم به راحتی به کشورم برمی‌گردم. ولی بسکتبال، بسکتبال است و هر جا بسکتبال حالش خوب باشد من سعی می‌کنم آنجا باشم.

سطح دستمزد در قطر و عمان با ایران خیلی تفاوت دارد؟

در ایران مربیگری شغل نیست. زمانی که ایران بودم مجبور بودم دانشگاه کار کنم، آکادمی خودم را داشتم، دو سه تا کار دیگر هم می‌کردم و در کنارش مربی بسکتبال هم بودم. شما در ایران نمی‌بینید که بگویند طرف شغلش مربی بسکتبال است یا هر رشته دیگری. شما نه بیمه داری نه از آینده کارت مطمئنی. در کشورهای دیگر این فرق می‌کند. البته تایتلی که من دعوت شدم مربی تیم ملی است. در ایران هم مربی تیم ملی مخصوصا مربی آقایان دستمزد متفاوتی می‌گیرد. زمانی که ما ایران بودیم این رقم برای زنان خیلی متفاوت بود. بچه‌ها ولی جدیداً به من گفتند که سال پیش و امسال توی لیگ ایران مربیان قراردادهای خوبی گرفتند. ولی هنوز نه همه‌گیر است و نه هنوز کسی امنیت شغلی دارد.

*علي ولي اللهی / روزنامه اعتماد/ 5186